

علیاء رضا، فعال اجتماعی از «لبنان»:

شهید سید حسن نصرالله در دل مقاومت زنده است با ایمان به «قطعا سمنتصر»

■ **محبوبه قربانی**

یک سال از شهادت سید مقاومت، «سید حسن نصرالله» می‌گذرد و هنوز دل‌ها برای او تنگ است. برای سخنان محکم و پرحلاکتش، برای رهبری مقتدرانه و آن حضور آرام و دلگرم کننده‌ای که حتی در سخت‌ترین روزهای جنگ و محاصره، دل مردم لبنان را استوار نگه می‌داشت. مردم لبنان و دیگر کشورهای مسلمان، هنوز جای خالی او را در لحظه‌های دشوار حس می‌کنند. جای خالی کسی که نه تنها هدا ی‌نگر سیاسی بود، بلکه تکیه‌گاه دل‌ها و الهام‌بخش مقاومت و امید بود. قدرت بی‌پدیل و اخلاقی‌اش هنوز در خاطره‌ها و دل‌ها زنده است و فقدانش خلایی عظیم ایجاد کرده است. با این حال، حزب‌الله لبنان بر این باور است که روح سید شهید و رهبران حاضر سیاسی در لبنان و ایران، همچنان چراغ راهی است که آنها را به پیروزی هدایت خواهد کرد همانطور که سیدشان فرمود: «قطعا سمنتصر».

■ ■ ■

برای درک گوشه‌ای از دل‌تنگی و احترام مردم لبنان به رهبری و شخصیت سید مقاومت، به یک گردهمایی صمیمی و زنانه رفتم. در این نشست، علیاء رضا، یکی از فعالان اجتماعی زنان لبنانی با صدایی آرام و لبخندی تلخ، از کرامات سیدحسن، لحظات شهادت او، اوضاع لبنان پس از شهادتش و نقش بی‌پدیل زنان در محور مقاومت سخن گفت.

علیاء رضا می‌گوید: «از کشوری می‌آیم که سال‌ها با دشمن بزرگی به نام اسرائیل روبه‌رو بوده است. دشمنی که بارها به سرزمین ما تجاوز کرد و جنگ‌های زیادی راه انداخت. ساده بگویم، در تمام آن سال‌ها یک رهبر بزرگ داشتیم به نام سیدحسن نصرالله، او برای ما فقط یک رهبر نبود، پدری مهربان و پناهی استثنایی بود.»

این فعال اجتماعی ادامه می‌دهد: «جنگ را از نزدیک تجربه نمی‌کردم، وقتی اسرائیل ما محله می‌کرد، حتی در سخت‌ترین لحظه‌ها ناامید نمی‌شدیم، چون سید حسن نصرالله با سخنرانی‌ها و پیام‌هایش به ما امید و نیرو می‌داد. در حالی که در کشورهای دیگر مردم هنگام جنگ فرار می‌کردند ما ماندیم و مقاومت می‌کردیم، چون حضور او دل و جان‌مان را محکم می‌کرد. او شخصیتی استثنایی بود. چند بار ایشان را از نزدیک دیده بودم، یکی از آن دیدارها چند سال قبل بود. وقتی وارد مجلس شد، نورانیت خاصی در چهره‌اش بود.»

■ **نه تنها رهبر، پدر و فرماندهی استثنایی**

سیدمقاومت نه تنها نقش سیاسی برجسته‌ای داشت، بلکه حضورش برای مردم لبنان معنایی فراتر از سیاست پیدا کرده بود. او انسانی عارف و نزدیک به خدا بود که با بصیرت، آینده را پیش‌بینی می‌کرد و سخنانش همواره سرشار از ایمان و معنویت بود. مردم لبنان خاطرات زیادی از پیام‌ها و راهنمایی‌های او دارند که هنوز هم در سخت‌ترین روزها به آنها امید می‌دهد.

علیاء رضا درباره این ویژگی‌های معنوی سیدحسن نصرالله می‌گوید: «سیدحسن نصرالله، کنسار رهبری سیاسی که داشت، انسانی عارف و نزدیک به خدا بود و آینده را با بصیرت می‌دید. بسیاری از اتفاق‌هایی که امروز رخ می‌دهد، سال‌ها پیش از زبان او شنیده بودیم. ارتباط عمیقی با اهل بیت(ع) داشت و سخنانش بوی ایمان می‌داد. یک سال در ایام محرم، ۱۰ شب پیاپی برای مردم سخنرانی کرد. در یکی از شب‌ها، وقتی درباره امام حسین(ع) و حضرت زهرا(س) سخن می‌گفت، ناگهان مکتی کرد و دستش را بالا برد و سلام داد. همان لحظه جمعیت یک صدا صلوات فرستادند. حاضران می‌گفتند گویی حضرت زهرا(س) با صاحب‌الزمان(عج) در آن مجلس حاضر بوده‌اند.» وی در ادامه می‌افزاید: «سید بزرگوار، تنها یک فرمانده برای ما نبوده، پدری مهربان، پشتیبانی استوار و صدای رسا برای هر مظلوم در جهان به شمار می‌آمد. محبوبیت او فراتر از مرزها بود. اگر پیش از شهادت، محبت مردم به او صددرصد بود، امروز باید عددی بالاتر از صددرصد برایش در نظر گرفت.»

■ **تأثیر سید بر آیین‌های عاشورایی**

خاطرات بسیاری از سید در ذهن مردم باقی مانده است. علیاء رضا در توضیح یکی از این خاطرات که زنده نگه داشتن محرم و صفر بود می‌گوید: «به یاد دارم در ایام محرم می‌فرمود هیچ‌کس از روستای خود برای حضور در مراسم به شهر نرود و همه باید در حسینیه همان محله شرکت کنند. او بر این باور بود که هر محله باید کانون زنده و مستقل برای برگزاری آیین‌های عاشورا باشد. همین نگه‌باعت می‌شد که مردم با عشق و تکلیف دینی در روستاهای خود مراسم را برپا کنند.»

■ **رهبری بی‌هتا که حتی دشمنان به او احترام می‌گذاشتند**

با اینکه دیدگاه‌ها درباره حزب‌الله و فعالیت‌هایشان ممکن است متفاوت باشد اما نگاه مردم و احترام آنها به سید مقاومت و مقام شاخص ایشان بی‌تردید قابل توجه است. این فعال اجتماعی لبنانی، خاطرات شخصی خود از حضور و رفتار شهید سید حسن نصرالله را بازگو می‌کند و با تکیه بر غلظت و کرامت انسانی او می‌گوید: «بعضی‌ها شاید با حزب‌الله مخالف بوده و باشند و به ظاهر حرف از صلح و آرامش بزنند، اما سید حسن نصرالله را دوست داشته دارند، چراکه او انسانی خاص و استثنایی بود. من

دو بار افتخار دیدار با او را داشتم. یک بار در ماه رمضان، در خانه دوستی لبنانی سر سفره افطار. وقتی وارد جمع شد، ابهت و وقار بی‌نظیرش حس می‌شد. یادم است وقتی او را از نزدیک دیدم، ضربان قلبم تند شد. احساس می‌کردم در برابر شخصیتی بسیار بزرگ نشستام که حتی توان صحبت کردن نداشتم.»

علیاء رضا ادامه می‌دهد: «در مراسم تشییع پیکرش با اینکه هواپیماهای اسرائیلی بالای سر جمعیت عظیم تشییع کننده پرواز می‌کردند، مردم شجاعانه به مراسم ادامه دادند و به کسی آسیبی نرسید. حتی شهیدام برخی پهلودپای هم برای او احترام قائل بودند. گفته می‌شود خود نتایهاو هم سخنان سید نصرالله را با دقت دنبال می‌کرد،

چون هر حرف او برای اسرائیل مهم و تأثیرگذار بود.» او می‌افزاید: «اسرائیلی‌ها از قدرت و نفوذ او می‌ترسیدند. بارها به جانش سوء قصد کردند اما هیچ آسیبی به او نرسید. پس از شهادت، وقتی پیکرش را بعد از مدتی برای تشییع آوردند، سالم و سنگین بود. این نشان از کرامت و ایمان واقعی و قلبی او داشت. واقعا خوش به حال کسانی که در کنار چنین انسان‌هایی زندگی کردند و اکنون در جوار خداوندند. ما از نبود او غمگین هستیم اما برای مقام بلندش شادمانیم. همانطور برای دیگر شهیدان بزرگی چون سردار حاج قاسم سلیمانی نیز چنین احساسی داریم.»

■ **سید مقاومت، فراتر از یک رهبر سیاسی**

به گفته این فعال اجتماعی، سیدحسن نصرالله با زبان ساده و دلنشین خود توانسته بود ا ترابطی مستقیم با مردم برقرار کند. او می‌گوید: «سید حسن نصرالله از نظر عرفان، شجاعت، مقاومت و همه ابعاد انسانی کامل بود. سخنانش دل‌ها را به خود جذب می‌کرد و با ساده‌ترین واژه‌ها حرف می‌زد. از کودک سه ساله تا پیرمرد ۸۰ ساله. از کارگر ساده تا مهندس و استاد، پای تلویزیون می‌نشستند و احساس می‌کردند پدری مهربان با آنها سخن می‌گوید. هیچ وقت زبانش پیچیده و فلسفی نبود، نه امر می‌کرد و نه نهی، فقط با دل مردم حرف می‌زد. در ایران هم بسیاری از مردم اگر به سیاست علاقه‌ای نداشتند، با اشتیاق سخنان او را دنبال می‌کردند. ساده و صمیمی می‌گفت ما شما را دوست داریم و این کلامش از دل برمی‌آمد و به دل می‌نخست. حضور او در هر صحنه‌ای، روحی تازه به مردم می‌بخشید به خاطر همان سادگی و اخلاص درس مقاومت به جان همه می‌نخست.»

وی در ادامه می‌گوید: «نمونه‌ای دیگر، جشن پیروزی پس از سال ۲۰۰۰ بود. آن زمان قرار بود سید در منطقه «بت جلیل» سخنرانی کند. شهری مرزی با ششی کوهستانی و مسیری سخت. ازدحام جمعیت به قدری بود که راه‌ها بسته شد و مردم ناچار شدند چندین ساعت پیاده‌روی کنند. مردم از بیروت و روستاها حرکت کردند، ساعت‌ها در مسیر ماندند و از کوه‌ها بالا رفتند تا فقط به سخنرانی سید برسند. این عشق و اشتیاق نشان می‌داد محبوبیت او فراتر از یک رهبر سیاسی بود.»

■ **وفاداری خانواده‌های لبنانی به سید محبوب‌شان**

علیاء رضا در تعریف علاقه خانواده‌های مقاومت لبنانی و لیبیک آنها به رهبرشان «سید حسن» از خانواده‌ای که زندگی امن و مرفه در سوئد را رها کرده و در خط مقدم مقاومت لبنان ماندگار شدند، می‌گوید: «خانواده‌ای بودند که همسر و فرزندان‌ش پاسپورت سوئدی داشتند و می‌توانستند در سوئد زندگی مرفه و امنی داشته باشند اما در لبنان ماندند و فرزندان‌شان وارد صفوف مقاومت شدند. آن مادر، یکی از پسرانش در سوریه شهید شد و چندش را برای مدتی مدتش نگه داشت. او در غم و دل‌تنگی فرزندش به یک زائر لبنانی در حرم امام رضا(ع) بفرستد تا با امام صحبت کند. کمتر از یک هفته جسد آن پسر به وطن بازگشت. آن مادر روز تشییع، چادر سفید پوشید و گل پخش کرد گویی در عروسی فرزندش شرکت داشت.» وی در ادامه می‌افزاید: «بین پایان ماجرا نبود. در جنگ‌های بعدی، پسر دوشم نیز در سوریه به شهادت رسید. داعش چندین بار اجساد و وسایل را ضبط کرد و از آنها عکس گرفت و برای خانواده‌ها فرستاد تا رنج و درد را مضاعف کند. هنوز هم جسد پسر دوم نزد آن مادر بازنگشته است. وقتی با این مادر در لبنان صحبت می‌کردیم و او ویرانی خانه و زندگی‌اش می‌پرسیدیم، با وجود همه سختی‌ها می‌گفت هنوز هم آماده است جبهه را ادامه دهد. می‌گفت اگر سید اجازه دهد، باز هم همسر و فرزندم را راهی جبهه خواهیم کرد. این داستان نمونه‌ای کوچک از ایمان، عشق و فداکاری خانواده‌هایی است که حتی با داشتن راه‌های امنیت و رفاه خارج از کشور، وطن و آرمان‌شان را انتخاب کردند. این وفاداری به دلیل محبوبیت سیدحسن بود.»

■ **صیوری خانواده‌های جانبازان**

به گفته این فعال اجتماعی، یکی از جلوه‌های محبوبیت و نفوذ معنوی سیدحسن نصرالله در میان مردم لبنان، واکنش خانواده‌های جانبازان و شه‌ها بود. پدر یکی از خانواده‌ها بابینا بود. زمانی که به همسرش خبر دادند فرزندش شهید شده است در حالی که یک هفته پیش هم خبر شهادت خواهرزاده‌اش را شنیده بود سخت بی‌تابی کرد اما همسرش با آرامش گفت: «چرا ناراحتی؟ فرزندت پیش سید رفت. نباید گریه کنی.» همسرش آرام گرفت و گفت: «اگر سید حسن زنده بود، برای فرزندانم اینقدر



دشمنان منتظر بودند سید حسن نصرالله از میان ما برود، چون ابهت و نفوذش دنیا را تکان می‌داد. حتی دشمنانش در اسرائیل به این قدرت اذعان می‌کردند. حالا مخالفان فکر می‌کنند سر بلند کرده‌اند و در خیابان و شبکه‌های اجتماعی علیه ما حرف می‌زنند اما نمی‌دانند در خوابی عمیق هستند. شاید شرایط برای خانواده‌های حزب‌الله در لبنان سخت باشد اما مقاومت بعد از سید هم ادامه دارد

با اینکه خیلی گریه می‌کردم اما آرامش داشتم ولی برای شهادت سید حسن فرق می‌کرد. اشک می‌ریختم و از ته دل فریاد می‌زدم. «به بیمارستان رفته بودم تا کنار جانبازان باشم. هنوز از شهادت سید حسن مطلع نشده بودند. با وجود از دست دادن چشمان‌شان می‌گفتند «فدای سید نصرالله، فدای آقای خمنهای» شهید سردار سلامی هم به ملاقات جانبازان آمده بود و وقتی این‌حرف‌ها را از زبان آنها شنید، گریه‌اش گرفت. روح هر دوی آنها شاد. جانبازان وقتی از شهادت سید مطلع شدند، می‌گویند اشک بریزند ولی نمی‌توانستند. غبطه می‌خوردند چرا چشم برای ریختن اشک ندارند!»

■ **نامی که ماندگار شد**

علیاء رضا می‌گوید: «حُبوبیت سیدحسن نصرالله آنقدر زیاد بود که حتی در کشورهای دیگری می‌شنیدیم خانواده‌ها فرزندان‌شان را به نام او نامگذاری کردند. دو هفته پیش در یمن، مادری نوزاد شش ماهه‌اش را برای واکسن به پایگاه سلامت آورده بود. وقتی نام فرزندش را پرسیدیم، با افتخار گفت حسن نصرالله. او تنها یکی از ده‌ها مادری بود که پس از شهادت سید، فرزندان‌شان را به یاد او نامگذاری کردند.»

■ **امتحانی بزرگ پس از رفتن سید**

لبنان در سال‌های اخیر با چالش‌های بزرگی روبه‌رو بوده است. از تجاوزها و جنگ‌های مکرر گرفته تا فشارهای اقتصادی و اجتماعی. این کشور و مردمش همواره نیازمند رهبری بودند که نه تنها هدایتگر سیاسی باشد بلکه بتواند امید و مقاومت را در دل مردم زنده نگه دارد. سید حسن نصرالله، شخصیتی بود که این نقش را ایفا می‌کرد و حضور او حتی پس از شهادتش تأثیر عمیقی بر حزب الله دارد.

مردم حزب‌الله معتقدند این دوری و سختی‌های پس از آن، امتحان بزرگ الهی است.

این فعال اجتماعی می‌گوید: «دشمنان منتظر بودند سید حسن نصرالله از میان ما برود، چون ابهت و نفوذش دنیا را تکان می‌داد. حتی دشمنانش در اسرائیل به این قدرت اذعان می‌کردند. با شهادتش، انگار فضای لبنان و منطقه تغییر کرد. حالا مخالفان فکر می‌کنند سر بلند کرده‌اند و در خیابان و شبکه‌های اجتماعی علیه ما حرف می‌زنند اما نمی‌دانند در خوابی عمیق هستند. شاید شرایط برای خانواده‌های حزب‌الله در لبنان سخت باشد اما مقاومت بعد از سید هم ادامه دارد.»

او در ادامه می‌افزاید: «چند روز پیش در محله‌مان زنی را دیدم که خودش و دو فرزندش زخمی شده بودند و همسرش نیز به شهادت رسیده بود. با این وجود باز هم می‌گفت این امتحان بزرگی است. راستش می‌گفت، ما هم همین باور را داریم. یاد حرف سید نصرالله افتادم که همیشه می‌گفت اگر شهید شویم، پیروزم. او با شهادتش پیروز این میدان شد. امروز مردم حزب‌الله محاصره شده‌اند، اما از درون احساس پیروزی می‌کنند. این درس‌ها را از واقعه عاشورا و رنج امام حسین(ع) و یارانش آموختیم. می‌فهمیم این سختی‌ها بخشی از مسیر حق است. به گفته سید شهیدمان پیروزی نهایی از آن بابت، حتی اگر زمان ببرد.»

علیاء رضا می‌گوید: «لبنان روزهای سختی را می‌گذراند و شما هم اخبار را می‌شنوید. گاهی که به ایران می‌آیم، در ایستگاه اتوبوس یا خیابان حرف‌هایی می‌شنوم که آدم را می‌آزارد. برای طعنه‌هایشان جواب دارم اما باید سکوت کنم، چون ایمان دارم خداوند به موقع همه این طعنه‌ها را پاسخ خواهد داد ولی بدانید قلب‌مان درد می‌گیرد. از طرفی برای این روزها باید خوشحال باشیم، چون معتقدیم این روزها برایمان یک امتحان بزرگ است. در همین محاصره ایمان داریم هنوز سید نصرالله و حتی شهید حاج قاسم سلیمانی حضور دارند و محکم ما را به صبر و استقامت فرا می‌خوانند. این حضور را در دل‌هایمان حس می‌کنیم. کنار این حضور، دلمان به رهنمودهای رهبران حاضر و جانشین سید حسن نصرالله، «شیخ نعیم قاسم» خوش است و امروز مطمئن‌تر از همیشه می‌گویم ما پیروز می‌شویم. پیروان و دوستان‌ان سید مقاومت هیچ گاه پشت رهبران‌شان را خالی نمی‌کنند.»

■ **محبوبیتی فراتر از مرزها**

محبوبیت و ارادت بی‌حد و حصر مردم نسبت به سیدحسن نصرالله ریشه در اعتماد عمیق به شخصیت او، صداقت و شجاعتش در مواجهه با دشواری‌ها و پیونده قلبی‌اش با مردم و باورهای دینی دارد. حتی کسانی که در ظاهر مخالف او بودند، نمی‌توانستند حضور استوار و تأثیرگذار او را نادیده بگیرند و این امر باعث شده بود عتیق و احترم

به او فراتر از مرزهای جغرافیایی و مذهبی گسترش یابد. باوری که دشمنانش را ناامید کرده است.

علیاء رضا می‌گوید: «از وقتی خبر شهادت سید حسن نصرالله اعلام شد، اثر آن در دل مردم فراتر از حد تصور بود. شاید باورتان نشود، بعضی‌ها حتی در دیگر کشورها سگته کردند. مثلاً یک خانم یمنی وقتی خبر را شنید، چنان جیغ زد و گریه کرد، خودش را زد و گفت نمی‌تواند خبر را باور کند. این نشان می‌داد سید نصرالله برای مردم کشورهای مسلمان و حتی غیرمسلمان همانند پدر بود و عشق و احترامش بی‌حد بوده و است.»

او ادامه می‌دهد: «آنها نه تنها سید نصرالله بلکه دیگر رهبران دینی مانند امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای را هم بسیار محترم می‌دانند. در کشورهای اروپایی چه مسلمان و چه غیرمسلمان، خیلی‌ها آنها را دوست دارند و برایشان احترام قائل هستند. مدتی قبل در یک مراسم، یک خانم مسیحی که عبا ی سید نصرالله را به عنوان هدیه دریافت کرد گفت هر سال آن را با احترام خاص می‌شوید. این عبا برایش ارزشمندتر از هر هدیه مادی بود. این محبوبیت و ارادت مردم به سید نصرالله، حتی در کسانی که به ظاهر مخالف مقاومت و اهداف مقاومت هستند، باورنکردنی است. مردم با تمام وجود او را در دل خود دارند و حتی در شبکه‌های اجتماعی نیز می‌توان ارادت به او را فراتر از مذهب و مرزها دید.»

■ **ایستادگی شگفت‌انگیز خانواده‌های شهدای لبنان**

پس از شهادت سیدحسن نصرالله، حزب‌الله به ویژه نسل جدید این جنبش، نمونه‌ای بارز از استقامت و ایمان را نشان داده‌اند. حمایت خانواده‌ها و باور به رهبری، نیرویی شگفت‌انگیز در مسیر مقاومت ایجاد کرده است. نیرویی که هر دشمن داخلی و خارجی را ناامید می‌کند. علیاء رضا با تأیید این موضوع می‌گوید: «اگر بگویم این استقامت و ایمان بالاتر از حد تصور است، شاید باورتان نشود. مخصوصاً رزمندگان جوان حزب‌الله که بعد از شهادت سید حسن نصرالله، روحیه‌ای دارند که فراتر از انتظار است. بسیاری از آنها را می‌شناسم و از همان روزهای اول کنار آنها و خانواده‌هایشان بودم و از نزدیک این روحیه را دیدیم. بهتراست بگویم حتی چند برابر شده است. زنان‌شان آنقدر قوی هستند که باور کردنی است که جوان‌ها مصمم‌تر از گذشته سرکار می‌روند و زندگی را با امید ادامه می‌دهند.»

وی می‌گوید: «یکی از دوستانم نمونه بارزی از این ایمان است. یکی از فرزندان‌ش در یکی از حملات اسرائیل چشمش را از دست داد. وقتی برایش چشم مصنوعی گذاشتند، اصلاً برایش مهم نبود و می‌گفت خوشحالم ادامه زندگی‌ام حالا با چشمان مصنوعی است. او در حمله‌ای دیگر دستش را از دست داد اما باز هم ناراحت نبود و می‌گفت: «چند روز پیش در محله‌مان زنی را دیدم که خودش و دو فرزندش زخمی شده بودند و همسرش نیز به شهادت رسیده بود. با این وجود باز هم می‌گفت این امتحان بزرگی است. راستش می‌گفت، ما هم همین باور را داریم. یاد حرف سید نصرالله افتادم که همیشه می‌گفت اگر شهید شویم، پیروزم. او با شهادتش پیروز این میدان شد. امروز مردم حزب‌الله محاصره شده‌اند، اما از درون احساس پیروزی می‌کنند. این درس‌ها را از واقعه عاشورا و رنج امام حسین(ع) و یارانش آموختیم. می‌فهمیم این سختی‌ها بخشی از مسیر حق است. به گفته سید شهیدمان پیروزی نهایی از آن بابت، حتی اگر زمان ببرد.»

■ **نقش بی‌پدیل زنان در مقاومت لبنان**

زنان در محور مقاومت، چه در لبنان و چه در دیگر کشورهای که مقابل دشمنان متجاوز ایستادگی می‌کنند، نقشی بنیادین و تعیین کننده دارند. حمایت و حضور زنان، از همسر و مادر گرفته تا خواهر نه تنها پشتیبانی عاطفی فراهم می‌کند بلکه انگیزه و اراده مردان را برای حضور در جبهه‌ها تقویت می‌کند. رزمندگان با این تکیه‌گاه و قوت قلب، پس از توکل به خدای متعال، جرئت مقابله با سختی‌ها و حضور در میدان نبرد را بیش از پیش در خود پرورش می‌دهند. این پشتوانه خانوادگی و اجتماعی همراه با رهبری محور مقاومت حتی با شهادت سید حسین نصرالله هنوز هم عامل کلیدی در استقامت رزمندگان لبنانی بوده و است.

این فعال اجتماعی لبنانی می‌گوید: «به عنوان یک بانوی لبنانی باید بگویم اگر زنان نقش قوی و محکمی در مقاومت نداشتند، شاید رزمندگان کمتر جرئت حضور در جبهه را داشتند. زنان ستون اصلی ایستادگی‌اند. اگر همسر، مادر یا خواهران رزمندگان از آنها حمایت نکنند، شرایط سخت‌تر خواهد شد و بسیاری حاضر نیستند به جبهه بروند.»

وی ادامه می‌دهد: «در لبنان، چه بسیار بانوانی که با همه سختی‌ها مقاومت می‌کنند و با شهادت فرزندان‌شان به جای شکست، افتخار می‌کنند. مثال آن خانواده‌ای که مادرش یک، دو یا حتی سه فرزندش را از دست داده بود ولی با همان شجاعت می‌گفت اگر لازم باشد فرزند بعدی را هم راهی می‌کند. این ایمان و صلابت را مدیون رهبری کاشته‌ها می‌کنیم.»

■ **امید در روزهای سخت (قطلاً سمنتصر)**

خانواده‌های مقاومت لبنانی، در روزهای جنگ با همه سختی‌ها و بمباران‌ها و شهادت عزیزان‌شان، امیدشان به وجود سیدشان بود. خانه‌هایشان ویران می‌شد اما دل‌هایشان محکم می‌ماند. علیاء رضا می‌گوید: «سید به ما اطمینان می‌داد پیروزی حتمی است و بارها تأکید می‌کرد قطعاً سربانجام، پیروزی از آن ماست. قطعاً سمنتصر.»

همین ایمان و اطمینان او بود که تحمل رنج‌ها را برایمان آسان‌تر می‌کرد. او اراده و امید را در قلب‌ها مستحکم کرده تا جایی که اگر امروز نیست اما این روحیه در مردان و زنان لبنان پابرجاست و به خصوص زنان محکم و استوار پشتوانه مردان رزمنده‌شان هستند و خواهند بود تا پیروزی نهایی، ان‌شاءالله.»